

ارزیابی عملکرد عدالت ترمیمی بر بزهکاران و بزه دیدگان در شهرستان ممسنی

داوود گودرزی^۱، سجاد گودرزی^۲

^۱ دانش آموخته ی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز (علوم و تحقیقات فارس)، شیراز، ایران.

^۲ دانش آموخته ی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ممسنی، ممسنی، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی عملکرد عدالت ترمیمی بر بزهکاران و بزه دیدگان در شهرستان ممسنی انجام شده است. روش اجرای این پژوهش توصیفی پیمایشی بوده و جامعه آماری کلیه قضات وکلای شهر نورآباد ممسنی بوده و نمونه آماری تعداد ۱۰۰ نفر از اعضای جامعه آماری می باشد ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ۱۵ سوالی بوده که بر اساس فرضیه های تحقیق طراحی شده است. جایگاه عدالت ترمیمی در قوانین ایران، تا پیش از تصویب « قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ را می توان به دو دوره جلوه های تقنینی پیش و پس از انقلاب تقسیم نمود، که در جلوه های پیش از انقلاب، شاهد شکل گیری نهادهای همچون خانه های انصاف و شورای داورى هستیم. پس از انقلاب نیز نهادهای مشابهی از جمله شوراهای حل اختلاف به عنوان نماد و سمبل جلوه های غیرکیفری (ترمیمی) در مبارزه و مقابله با جرم، شناخته می شود. لیکن پیش از پرداختن به جلوه های تقنینی- اجرایی ترمیمی در قوانین ایران، لازم است تا به بررسی ماهیت عدالت ترمیمی بپردازیم و اصول، اهداف، مبانی و نتایج آن را واکاوی نماییم. مهمترین اثر رویکرد عدالت ترمیمی بر بزه دیده به رسمیت شناختن جایگاه وی و جبران خسارت های وارده به او و نسبت به بزهکار، تقویت حس مسولیت پذیری او و باز پذیری اجتماعی وی می باشد و رویکرد عدالت ترمیمی بر بزه دیده به رسمیت شناختن جایگاه وی و جبران خسارت های وارده به او و نسبت به بزهکار رابطه معنادار وجود دارد بین ابزارهای موجود و تامین حقوق بزه دیدگان رابطه معنادار وجود دارد.

واژه های کلیدی: عدالت ترمیمی، عدالت کیفری، بزه دیده، بزه کار، آشتی وریش سفیدی، میانجیگری، مصالحه، ضمانت اجرای زاجره، ضمانت اجرای جابره

۱- مقدمه

با نگاهی بر سیر و روند تاریخی نظام عدالت کیفری به این نتیجه خواهیم رسید که حقوق سزاده در تحقق عدالت، تمامی تلاش خود را صرف بزه و بزهکار کرده است و رویکرد آن مبتنی بر وخامت و شدت عمل و تنبیه و مکافات و ارباب مجرمین است (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵).

حال یک سوال باقی می ماند که چرا همیشه در فرایند مجرمانه تمام تلاش نظام کیفری بر جرم و مجرم متوقف می شود و چرا به کسی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است توجهی نمی شود؟ بنظر می رسد بزه دیده به عنوان یکی از ارکان مهم پدیده مجرمانه که می تواند نقش مهم و اساسی در فرایند دادرسی داشته باشد مورد تغافل و تسامح فرایند عدالت کیفری واقع شده است.

عدالت کیفری نسبت به جرم، مجرم و بزه دیده سه رویکرد را در نظر دارد که به ترتیب عبارتند از رویکرد سزاده، رویکرد اصلاح و درمان و رویکرد ترمیمی که بر خلاف دو مورد اول، تمرکزش به جای جرم و مجرم، بر بزه دیده از جرم به عنوان یکی از ارکان مهم پدیده مجرمانه می باشد. در این رویکرد جرم سه ضلع دارد که عبارتند از مجرم، جامعه محلی و بزه دیده که ضلع مهم آن می باشد (فروزش، ۱۳۸۶).

بنابراین یکی از شیوه های جدید عدالت کیفری و فلسفه ی مجازات ها، شیوه یا تئوری عدالت ترمیمی است که در آن هدف اصلی مجازات، ترمیم ضرر و زیان وارده به بزه دیده از طریق دادن نقش فعال به وی و ایجاد صلح و سازش بین بزهکار و بزه دیده است. بنابراین رویکرد عدالت ترمیمی نسبت به بزه دیده اینگونه است که بزه دیده را کسی می داند که از جرم آسیب دیده و باید در جهت جبران آسیب ها و خسارات وارده و التیام لطمات وارده به وی و حمایت از او اقدام کند و در واقع به دنبال دو هدف به رسمیت شناختن جایگاه بزه دیده و ترمیم و جبران خسارت های وارده به وی می باشند.

و اما دیدگاه رویکرد عدالت ترمیمی نسبت به بزهکار اینگونه است که، بزهکار دشمن قلمداد نمی شود بلکه یکی از اعضای جامعه دیده می شود که به لحاظ شرایط خاص خانوادگی، تربیتی و اجتماعی به انحراف کشیده شده است. یعنی عدالت ترمیمی به این نکته توجه دارد که بزهکار نیز از وقوع جرم آسیب دیده که در جهت جبران آسیب وارده به وی نیز باید تلاش کرد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۲). بنابراین به طور کلی رویکرد عدالت ترمیمی نسبت به بزهکار نیز دو هدف را دنبال می کند، یکی تقویت حس مسئولیت پذیری بزهکار و دیگری باز پذیری اجتماعی وی.

جایگاه نظام عدالت در جامعه برچسپ زن و بد نام کننده است و موجبات مجازات کمانه ای را برای فرد در جامعه فراهم می کند، اما رویکرد عدالت ترمیم را می توان، انسانی برخورد کردن، جامعه ای نگریستن به پدیده مجرمانه، تورم زدایی از پرونده های کیفری، افزایش اعتماد عمومی با مشارکت شهروندان در فرایند حل و فصل دعوی، کاهش هزینه های دادگستری، مدیریت محلی و کد خدا منشی پدیده ی مجرمانه دانست (غلامی، ۱۳۸۸). همانگونه که یکی از بزرگان می فرماید، گره هایی که به هزار نامه ی دادگستری باز نمی شود، به یک نگاه و یا ندای ریش سفیدی گشاده می گردد، که درواقع بیانگر همین مطلب است.

اشاره به این نکته نیز ضروری است که به عدالت ترمیمی و شیوه های مختلف آن (میانجیگری میان بزهکار و بزه دیده، کنفرانسها، هم اندیشی های خانوادگی و حلقه یا محفل ها و...) از طریق قطعنامه ی جولای ۲۰۰۲ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تحت عنوان «اصول اساسی استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در موضوع های کیفری» به دولت های عضو این سازمان توصیه شده است (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵).

در رابطه با موضوع عدالت ترمیمی کارهای علمی و تحقیقاتی زیادی انجام گرفته است که در تمامی این آثار نویسندگان محترم به دنبال تبیین کیفی و مفهومی عدالت ترمیم بوده و بعضاً سعی داشته اند نگاهی طرفدارانه و یک طرفه و در حمایت به این رویکرد داشته باشند؛ اما در این پایان نامه آنچه که هدف اصلی محقق را شکل می دهد ارزیابی و بررسی کاربرد این رویکرد بر بزه دیدگان و بزهکاران است بدون پیش داوری و بدون جانبداری و طرفداری یک طرفه. به دنبال دستیابی به نتیجه ای علمی منطبق با واقعیت هستیم. میخواهیم با بررسی دقیق و علمی این مساله در سطح جامعه، ببینیم آیا در واقع و در عمل هم عدالت ترمیمی توانسته است مورد تایید و پذیرش از سوی مجرمین، بزه دیدگان و حتی خود جامعه قرار بگیرد یا خیر؟ و اینکه آیا عدالت ترمیمی می تواند باعث کاهش آمار جرم در سطح جامعه شود؟ و این قابلیت را دارد که جایگزینی مناسب برای نظام های کیفری پیشین از جمله نظام کیفری سزا ده و اصلاح و درمان که محل و مرکز توجه آنها صرفاً جرم و مجرم بدون در نظر گرفتن نقشی برای بزه دیده به عنوان یکی از ارکان مهم که در ارتکاب جرم نقش اساسی ایفا می کند باشد؟ همانگونه که در قسمت مقدمه گفته شد حقوق سزاده (کیفری) تمام تلاش خود را مصروف به بزه و بزه کار کرده است و رویکرد آن بر ایجاد ترس و سخت گیری بیش از حد و مجازات و مکافات و ارباب نسبت به مجرمین است. جهت گیری عمده ی این نوع از عدالت بر سرکوب کیفری بزهکار، بدون توجه به بزه دیده، براساس معیار شدت و ضعف جرم بوده است. بنابراین طرفداران رویکرد سزاده و کیفری با حتمیت و قطعیت مجازات و سرعت در اجرای آن درصدد هستند که از یک سو نتایج مادی و معنوی که از ارتکاب جرم برای بزهکاران به ارمغان آمده را از طریق رنج و عذاب و مجازات خنثی و بی معنی کنند و از دیگر سو، با مرعوب کردن بزه کاران بالقوه عبرت آموزی عمومی برای شهروندان جامعه داشته باشند.

۲- مفاهیم

۲-۱- تعریف عدالت ترمیمی

عدالت ترمیم درواقع "عدالت سازشی" (عدالت مصالحه ای، عدالت نرم (غیرخشن، عدالت استمراری، عدالت محلی) یا عدالت افقی است که اندیشه ی محوری همه ی این مفاهیم که می توان آنها را هم خانواده تلقی کرد، از یک سواجتناب ازفرایند کیفری قضایی رسمی پیچیده و پر هزینه است و از سوی دیگر، مشارکت دادن جامعه مدنی که بزهکار و بزه دیده از اعضای آن محسوب می شوند در امر حل و فصل اختلافات ناشی از جرم است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۹۸)

مطابق تعریف «تونی مارشل» جرم شناس انگلیسی، «عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن کلیه کسانی که در رابطه با جرم خاص (حق یا نفع یا همی) دارند گرد هم می آیند تا به طور جمعی در رابطه با چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته، راه حلی بیابند». (غلامی، ۱۳۸۵: ۸۷) در تعریف دیگری از بیزمور (Bazemore) و والی گریو (walgrave) (عدالت ترمیمی هراقدامی است که قبل ازهرچیز به سمت اعمال عدالت ازطریق جبران و ترمیم خسارت و صدماتی که با ارتکاب جرم به وجودآمده است، جهت گیری می کند.) به عقیده ی هواردزهر؛ درعدالت ترمیم، جرم تجاوز و توهین به مردم وروابط بین آنها وروابط محلی است و پس از ارتکاب، تکالیفی را برای ترمیم، اصلاح و رفع آثارآن ایجاد می کند. عدالت ترمیمی، بزه دیده، بزه کار و جامعه یا شبکه محلی را برای جست و جوی راه کارها یا پاسخ هایی که موجب ارتقای ترمیم، آشتی و اطمینان بخشی دوباره در زندگی محلی بشود، درگیر می کند و روبروی هم قرار می دهد». (نجفی ابرند آبادی، پیشین، ۲۳).

به عقیده ی دور کیم: حقوق درحال شدن از زاجره به ضمانت اجرای جابره است. بنابراین عدالت ترمیمی خسارت و درد و رنج های روحی و جسمانی بزه دیدگان و وابستگان نزدیک آنان را در پاسخ ها و اقدام های ترمیمی که ممکن است گوناگون باشند (استرداد مال، جبران و ترمیم خسارت های مادی، معنوی، روانی و عاطفی، آشتی و سازش، عذرخواهی، عفو و...) را محور اقدام خود قرار می دهد (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵: ۷۲) پس عدالت ترمیمی فرایندی است که از رهگذر آن، طرفهای درگیر در یک جرم معین، به شکل جمعی یا گروهی برای حل و فصل و رسیدگی به آنچه از جرم حاصل شده و پیامد های احتمالی آن که در آینده تصمیم گیری و رایزنی می کنند و در واقع اصطلاح مشترکی برای اشاره به دسته ی گسترده ای از شیوه های نارسمی حل و فصل جرایم است که افرادی را که سهامداران اصلی رخداد جنایی بشمار می روند گرد هم می آورد. مهمترین نمونه ی این شیوه های نارسمی عبارتند از سازش، میانجیگری بزه دیده-بزهکار، گونه های مختلف نشست های ترمیمی، هیئت های ترمیمی اجتماع مدار و جرگه ها یا محافل صدور حکم و تعیین ضمانت اجرا (بریت ویت، ۲۰۰۲: ۵۶۷)

عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می کند. عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن، هم درباره ی جرم و هم درباره ی چگونگی پاسخ به آن است. ظهور و پیدایش عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات بوجود آمده در نگرش به عدالت کیفری در جلوه ی جرم شناسی و بطور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در دودوده اخیر است. مطابق نظر برخی از نویسندگان عدالت ترمیمی از سال ۱۹۹۰ تاکنون به عنوان نهضتی اجتماعی جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری درآمده است، (رایحیان؛ پیشین؛ ص ۲۲).

«هوارد زهر» با تأکید بر کارکرد عدالت ترمیمی آن را این گونه تعریف می کند: «عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند- تا آنجا که امکان پذیر است- تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیانها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه ای که امکان پذیر است اقدام نمایند. «(غلامی، ۱۳۹۰، ۸)

عدالت ترمیمی نوعی از عدالت، راجع به امور کیفری، مبنی بر جبران است؛ به این معنا که در اجرای آن باید تلاش شود. آثار وخامت بار جرم و ضرر و زیان های ناشی از آن، خواه به صورت کامل یا به گونه ای نمادین ترمیم شود. هوارد زهر خاطر نشان می کند که، تعدی و تجاوز موجب ایجاد تعهد می گردد. به این معنا که وقتی فردی نسبت به دیگری، مرتکب خطا یا جرم شود، برای او تعهدی جهت درست کرد و ساختن آنچه از بین برده است، ایجاد گردد.

عدالت ترمیمی، جلوه ی است که ریشه های شکل گیری آن به اجتماعات اولیه بشری و تلاش های مصلحانه ریش سفیدان این اجتماعات برای حل و فصل مصالحه آمیز آن باز می گردد. لیکن با وجود قدمت تاریخی آن، تعریف عدالت ترمیمی همچنان دارای پیچیدگی های فراوانی می باشد پیچیدگی از این حیث که عدالت ترمیمی همچون منشوری چند وجهی است که دارای عناصری همچون فرآیند، نتایج و اصول است و توجه به هر کدام از این عناصر سبب دور شدن از عناصر دیگر شده و در نتیجه ارائه تعریفی جامع و کامل از آن را دشوار می سازد. بنابراین نظر برخی محققین این رشته، بهترین تعریف از عدالت ترمیمی می تواند به عنوان چتر مفهومی^۱ در نظر گرفته شود که اصول مختلف در آن جای می گیرد و در پی آن، مفاهیم مختلف و زمینه های مشترک یکدیگر را باز می جویند.^۲ در طیفی وسیع تر عدالت ترمیمی را می توان به عنوان یک استراتژی یا تنظیم استراتژی تلقی کرد که در پل حل و فصل اختلافات بین طرفین است و کاربردهایی در عرصه حل اختلافات موجود در جامعه،

^۱ - practice

^۲ -Shapland, j. G,Robinson(2011),restorative justice in paratice, pub by: Roatlledge,p.4

سازمان ها، مدارس و غیره دارد. بنابراین عدالت ترمیمی می تواند به عنوان روحی صلح جو در زمینه اختلافات گوناگون- از اختلافات سیاسی و امنیتی تا اختلافات خانوادگی و حتی همسایگی- بدمد. روح عدالت ترمیمی از فرضیه های عملی و فرضیه های دانشگاهی و سیستم های قضایی سرچشمه می گیرد که هر یک از جنبش های اجتماعی و نظریه های دانشگاهی را به صورت یک مجموعه در شکل گیری مفهوم عدالت ترمیمی گردهم می آورد.

۲-۱-۲-۲- مفاهیم عمومی

عدالت ترمیمی همچون بسیاری از اندیشه ها و مکاتب حقوقی دیگر، نیازمند تبیین روشنی از الگوها، مبانی، تعاریف و اصولی است که برای درک درست ماهیت آن و اهداف شکلگیری اش، باید آن را شناخت و واکاوی نمود. بدین منظور در این گفتار و گفتارهای بعد از فصل حاضر، به بررسی این الگوها خواهیم پرداخت.

۲-۱-۲-۲- چارچوب تحلیلی و تعریف جامع از عدالت ترمیمی

دست یافتن به یک چارچوب از تعریف عدالت ترمیمی کاری دشوار است و ویژه زمانی که می بایست تعریف عدالت ترمیمی را از جلوه های بزه دیده محور و جلوه های غیررسمی جایگزین دعوا جدا نمود. به همین دلیل نگارنده چارچوبی تحلیلی از عدالت ترمیمی را که جیمز دیگنن ترسیم می نماید، بیان و سپس تلاش می نماید به یک تعریف نسبتاً جامع از عدالت ترمیمی دست یابد.^۱ با ارائه این تحلیلی از جلوه ها و الگوها عدالت ترمیمی اکنون می توان به تعریفی نسبتاً شفاف و روشن از آن دست یافت و اینگونه بیان نمود که «عدالت ترمیمی مجموعه ای از نتایج، اهداف و فرآیندهای ترمیمی است و که در پی پاسخگویی، ترمیم و بازتوانی بزه دیده، بزهکار و جامعه در مقابل جرم با تمرکز بر نقش بزه دیده می باشد».

تعریف فوق دارای چند ویژگی است که به صورت مختصر به آن اشاره می کنیم. نخست آنکه تفکیک روشن میان اهداف فرایندهای ترمیمی قائل شده است. به گونه ای که تعریف فوق با فرآیند ترمیمی- که در آن بزه دیده و بزهکار و در صورت اقتضاء هر یک از افراد یا اعضای دیگر جامعه که جرم بر آنها اثر گذاشته، درمحل موضوعات ناشی از جرم بطور مؤثر و معمولاً به کمک یک تسهیل گر یا پیش برنده^۲، با یکدیگر مشارکت می کنند- منطبق می باشد. دوم تمرکز بر نقش بزه دیده در راه رسیدن به اهداف ترمیمی از گذر فرآیندهای آن، که در واقع می توان گفت که رسالت عدالت ترمیمی دروهله نخست حمایت از بزه دیده و در مرتبه بعد بزهکار و جامعه محلی می باشد.

۲-۱-۲-۲- الگوهای عملی عدالت ترمیمی

دراین الگو به بررسی الگو یا مدلها از عدالت ترمیمی پرداخته و در آن تاریخچه، فرآیند و ارزیابی های انجام گرفته توسط محققین را با نگاه به اهداف عدالت ترمیمی بررسی می نماییم. ذکر این مطلب در این قسمت مهم است که الگوهای عدالت ترمیمی محدود به قالب های بیان شده (میانجیگری، نشست های گروهی- خانوادگی و حلقه های تعیین مجازات) نیست، لیکن نگارنده با اهداف مشخص و دلایل معمولی به این الگوها پرداخته است. نخست آنکه این الگوها مهمترین شیوه های عدالت ترمیمی در عرصه عمل می باشند و پرداختن به آنها می تواند جلوه های دیگر عدالت ترمیمی را هم شامل شود. دوم

^۱- Dignan, op cit. p. 6

^۲- Facilitator

آنکه نگارنده بیش از آنکه در پی واکاوی این قالب ها بوده باشد. در پی چارچوب سازی ذهنی مطالب جهت پرداختن به جلوه های پیش دادرسی و دادرسی عدالت ترمیمی در قوانین موضوعه ایران است.

۲-۲-۲-اهداف عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی درصدد آن است که آنچه نقض شده بهبود یابد و مهم ترین هدف در جلوه ترمیمی توجه به نیازها و دل مشغولی های بزه دیده می باشد، (غلامی؛ ۱۳۸۵؛ ۲۰-۲۱).

در بحث پیرامون تعریف عدالت ترمیمی دریافتیم که اهداف عدالت در همه قالب های آن (میانجیگری، نشست ها، محافل تعیین مجازات و غیره) در سه امر ثابت است:

۱. ترمیم

۲. پاسخگویی بزهکار در مقابل بزه دیده

۳. بازتوانی جامعه مرتبط و آسیب دیده

این اهداف در نتیجه تحقیقات مختلفی که در کشورهای پیشرو همچون کانادا، استرالیا، انگلیس و آمریکا انجام شده، بدست آمده و نتایج جالب توجه در خود ذکری بر جای گذاشته است. پروژه هایی همچون پروژه میانجیگری بزهکاران بزرگسالان در کانادا، پروژه حل و فصل دعاوی بروکلین آمریکا، خدمات میانجیگری لیزر، طرح ترمیم خسارات کانونتری انگلستان، پروژه حل و فصل ترمیمی وین پیچ، شرمساری بازپذیرنده و کانبرای استرالیا و غیره که اختصاص به جرایم بزرگسالان داشته اند، و برخی دیگر همچون نشست های جوانان در نیوزلند، عدالت جوانان استرالیا، شرمساری بازپذیرنده (جوانان استرالیا) که اختصاص به بزهکاری جوانان و نوجوانان داشته است، دارای دست آوردهای مهمی بوده اند که در ذیل به مرور کلی نتایج آن در این بحث اکتفا می نماییم.

الف) اهداف کلیدی فرآیندهای تحقیقاتی و پروژه های ترمیمی

۱. مشارکت کنندگان باید احساس کنند به اندازه کافی آمادگی داشته و مشارکتشان اختیاری است.
۲. این فرآیندها باید توسط همه شرکت کنندگان تجربه شود تا بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و مشارکت کنند.
۳. نتایج توافقات باید دستیابی به رضایت همه بوده و در عین حال منصفانه باشد.
۴. مشارکت کنندگان باید احساس کنند که از مشارکتشان سود برده اند.
۵. لازم است حداقل برخی از مشکلات بین بزه دیده و بزهکار یا اقداماتی همچون التیام، حل و فصل اختلافات، کمتر شدن احساس خشم، کینه و ترس، حل و فصل شود.
۶. نتیجه برخی از تحقیقات انجام شده نشان داد که بزه دیده باید غرامت دریافت کند و بزهکار هم باید غرامت بدهد.
۷. بزهکاران باید بتوانند با مشکلات برآمده از جرمشان روبه رو شوند.
۸. معدودی از بزهکاران بعد از نشست های ترمیمی و مرتکب تکرار جرم می شوند که در این صورت، اگر سیستم عدالت ترمیمی به خوبی عمل نموده باشد، این جرم باید نسبت به جرم قبل از برنامه سبک تر باشد، و در غیر این صورت سیستم عدالت ترمیمی باید جای خود را به سیستم عدالت کیفری می دهد.

۹. برخی از پرونده ها باید از سیستم کیفری قضا زدایی^۱ شود و معدودی از بزهکاران نیز باید مجازات سنگین تری را دریافت کنند.^۲

۱۰. از دیگر اهداف عدالت ترمیمی در مورد بزه دیدگان جبران خسارت آنهاست. نوع جرم ارتكابی مشخص آن است که بزه دیده به چه کمکی نیاز دارد، (رایت؛ ۱۳۸۴؛ ۲۵).

(ب) نتایج عدالت ترمیمی

به طور کلی می توان گفت که عدالت ترمیمی در طی مسیر و فرآیند خود در پی دست یافتن به نتایج کلی است که این نتایج در وهله اول توجه به صدمه و زیان ناشی از جرم و توجه به علل وقوع آن است. زیرا راست گرداندن و اصلاح امور نیازمند توجه به صدمه و زیان و همچنین علل وقوع جرم است و بسیاری از بزه دیدگان خواستار چنین توجهی می باشند، و در وهله دوم اهداف نتایج در پی دو امر است:

۱. کاهش جرم

۲. حفظ تمرکز بر نیازها و حقوق بزه دیده.

عدالت ترمیمی دارای چهار هدف عمده اصالت روابط شخصی، جبران، بازپذیری و مشارکت است. این تفکر که جرم، اصولاً و بدواً تعدی به روابط میان فردی است، نه صرفاً مناسبات میان فرد و حکومت، نقطه آغاز عدالت ترمیمی است. این الگو تأکید می کند که بزه نباید به عنوان مفهومی انتزاعی درک و استنباط شود. وصف شخصی بودن در عدالت ترمیمی، در مقابل خصیصه فقدان تشخص و عدم توجه یا دست کم، کم رنگی اهتمام به روابط شخصی در عدالت کیفری مبتنی بر سزادهی است. عدالت کیفری «عدالت جزایی در مفهوم پاداش در قبال ارتكاب جرم است»، (نوربها؛ ۱۳۸۳؛ ۹۷). «جامعه نمی تواند علیه بزهکاری، که اساسی ترین قواعد مقامات صالح را در هماهنگ ساختن روابط اجتماعی نادیده می گیرد، واکنش نشان ندهد؛ ولی واکنش جامعه، مانند مجنی علیه و یا کسان نزدیک او نمی تواند کورکورانه و وحشیانه باشد [دوره عدالت خصوصی]، بلکه باید تنظیم شده و با هدف های آن مطابقت داشته باشد. عدالت ترمیمی در ایران بیش از صد سال از قانون گذاری در ایران می گذرد. در طول قرن گذشته، اجرای عدالت کیفری در ایران همواره در فراز و نشیب بوده است.

۲-۲-۳- اصول کلی و اساسی عدالت ترمیمی

۱- جرم (قبل از هر چیز) تعدی و تجاوز به روابط میان مردم است نه صرفاً اقدامی علیه دولت. ارتكاب جرم منجر به ایراد ضرر و زیان به بزه دیده، اجتماع و بزهکار می شود و آنها باید به صورت فعال در فرآیندهای اجرای عدالت مشارکت داده شوند.

۲- همه آنانی که از جرم متأثر شده اند در برخورد جمعی با آثار و نتایج جرم نقش و مسئولیتهایی دارند.

۳- جبران ضرر و زیان، حل و فصل مشکلات ناشی از جرم به منظور حصول به توافق و آشتی و پیشگیری از زیانهای بیشتر.

مطابق اصل اول عدالت ترمیمی، جرم در ابتدا تجاوز و تعدی به روابط انسانی موجود میان افراد و سپس تعدی به قانون مورد حمایت دولت است پذیرش این اصل به معنای نادیده انگاشتن اهمیت قانون نیست، بلکه قانون، راهنما و ابزار بسیار مهمی در تنظیم روابط میان افراد با یکدیگر و با دولت است. لیکن باید خاطر نشان کرد که قانون نیز برای آن تصویب شده است که مانع از تعدی به روابط میان مردم گردد.

¹ -diversion

² -Dhapland, j. et al. Op. Cid. P.33

در عدالت کیفری سنتی با تأکید بر نقض قانون و تمرکز بر ابراز واکنش خشونت آمیز از طریق اجرای مجازات، در واقع نقض روابط میان افراد و تعدی به حقوق بزه دیده مورد اغماض قرار می گیرد. در این نظام بزهکار به علت ارتکاب جرم محاکمه، محکوم و مجازات می شود اما ممکن است هرگز از نتایج وخیم عمل ارتكابی خود نسبت به دیگران مطلع نگردد. برای مثال بزهکاری، که مرتکب سرقت کیف پول یا کیف دستی دیگری شده است ممکن است دستگیر یا مجازات شود، اما احتمالاً هرگز نتایج بعدی عمل خود را ملاحظه نخواهد کرد، در حالی که بزه دیده مجبور است علاوه بر از دست دادن کیف پول، به دلیل مفقود شدن کارت شناسایی، کارت اعتباری و غیره مدت زمان زیادی را صرف اعاده وضع به حالت سابق نماید. در عدالت کیفری سنتی به این بخش از نقض روابط انسانی و مسائل ناشی از جرم توجه کافی به عمل نمی آید و نیازهای بزه دیده اغماض یا انکار می شود.

اصل دوم عدالت ترمیمی زمینه مشارکت تمام افرادی را که دارای حق، سهم و نفعی در یک جرم خاص هستند فراهم می نماید و ناظر به ضرورت مشارکت بزه دیدگان اعم از بزه دیدگان اولیه (مستقیم) و ثانویه (غیرمستقیم)، بزهکاران، جوامع محلی، و نیز خانواده، دوستان و حامیان بزه دیدگان و بزهکاران در اجرای عدالت است. به عبارت دیگر، در حقوق کیفری سنتی با استناد به سِمَت مدعی یا مدعی علیه از ورود بسیاری از بزه دیدگان غیرمستقیم و کسانی که به نحوی از انحاء می توانند در اجرای عدالت و جبران زیان بزه دیدگان مشارکت نمایند جلوگیری می شود و در نتیجه حتی ممکن است بزهکار به دلیل عدم پرداخت خسارت یا جزای نقدی بازداشت یا محکوم به حبس گردد، در حالی که در عدالت ترمیمی امکان مشارکت مستقیم بزه دیدگان و کسانی که به نحوی از ارتکاب جرم متأثر و به اصطلاح دارای سهمی گردیده اند فراهم می شود. بدین ترتیب عدالت ترمیمی فرصتی است برای مشارکت اجتماع، کلیسا، مدرسه، مسجد و هر نهاد مذهبی به آموزشی دیگر، خانواده و ارکان مرتبط جامعه برای حل و فصل مشکلات ناشی از جرم و پاسخ به نیازهای بزه دیده و بزهکار. دومین اصل کلی عدالت ترمیمی ناظر به پاسخگویی بزهکار در مقابل عمل ارتكابی و نتایج آن است. بزهکار باید با نتایج عمل ارتكابی و آثار آن نسبت به بزه دیدگان، جامعه و حتی خانواده خود رو به رو شوند و از طریق تجربه مستقیم شرایط ناگوار آنها با بزه دیدگان همدردی نموده، فعالانه در جستجوی راههای جبران ضرر و زیان وارده باشد. علاوه بر این وی باید با اشتغال به شغلی قانونی و انجام اقدامات مثبت، خود را به عنوان شهروندی مفید معرفی نموده، از تکرار عمل مجرمانه خودداری کند. از طرف دیگر یکی از اهداف اجرای فرآیندهای ترمیمی، حصول به توافق و آشتی است. در حالی که پس از ارتکاب جرم، امکان اعمال مجازات و حتی اخذ انتقام از بزهکار وجود دارد.

برابر اصل سوم: منافع بزه دیده در اولویت قرار داده شده و اصلی ترین وظیفه بزهکار را جبران آثار زیانبار ناشی از جرم خود میداند.

۲-۲-۴- رویکرد عدالت ترمیمی

رویکرد های ترمیمی در پی آن است که بزه دیده و بزهکار را به مثابه دو انسان صاحب کرامت پنداشته و ترس و دلهره را از بزه دیده برطرف سازد تا از بزه دیدگی ثانویه وی پیشگیری کند. ارائه کمک های مالی بالاختص در مرحله اولیه بزهکاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است زین هایی که بزه دیده از لحظه ی وقوع جرم تا رفع نسبی آثار آن متحمل شده مثل هزینه درمان، دادرسی، بیکاری ناشی از کارافتادگی، هزینه افراد تحت تکفل و مواردی از این قبیل. عدالت ترمیمی، روش جدید اندیشیدن هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن - واکنش جزایی - است، ساختار عدالت ترمیمی، به عنوان یک ساختار فلسفی

ناظر بر واکنش جزایی به بزه و انحراف، و نه با تعریفی مضیق به مثابه یک شیوه دادرسی آشتی گرا یا نوعی نشست میانجی گرانه، ادعا می کند که یک تئوری جرم شناختی است. شکی نیست که اگرچه آوردگاه آن، دانش جرم شناسی است، ولی به حقوق کیفری بسیاری از کشورها راه یافته است و آن چنان سریع در حال فراگیری است که رفته رفته مرزهای حقوق کیفری کشورها را درمی نوردد و به پهنه قلمرو سیاست جنایی وارد می شود و آن را نیز با خود به سمت جهانی شدن پیش می برد؛ جلوه ی توجه سیاستگذاران جنایی کشورها را به خود جلب کرده است. عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن کلیه کسانی که در خصوص یک جرم، سهم خاصی دارند گرد هم می آیند تا به طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج بزه و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیمی گرفته، راه حلی بیابند، (غلامی؛ ۱۳۸۵؛ ۹).

۲-۲-۵- علل روی آوری به عدالت ترمیمی

بخشی از انتقادهای متعدد و متنوعی که نسبت به عدالت کیفری کلاسیک مطرح شده است، متوجه جرم شناسی شدن نظام کیفری پس از جنگ دوم جهانی است. برخی از حقوقدانان معتقدند از زمانی که گرانیگاه قوانین و دادگستری کیفری از میزان شدت و وخامت عمل مجرمانه به شخصیت و انگیزه های مرتکب آن منتقل شده است و از این طریق حقوق کیفری صبغه و جنبه های اجتماعی - پزشکی - درمانی به خود گرفته است، صلابت سزا دهنده گی و قدرت بازدارندگی مجازاتها تضعیف شده و بدین سان اصل تناسب میان جرم و کیفر نیز تا اندازه زیادی متزلزل گردیده است. این قبیل حقوقدانان پیشنهاد می کنند که برای احیای کارکرد اصلی نظام کیفری؛ یعنی سزادهی و ایجاد بازدارندگی، باید به نوعی به اندیشه های کلاسیک مربوط به حتمیت - قطعیت - شدت مجازاتها یعنی عمدتاً دیدگاههای کانت و بکار یا بازگشت و میزان قبح اخلاقی جرم را که مستحق و شایسته پاسخ کیفری متناسب با آن است معیار قرار داد. این رویکرد به عدالت کیفری؛ یعنی نظریه «عدالت کیفری استحقاقی» یا «کیفرهای استحقاقی - بایسته و شایسته» جرم در واقع اصلاح بزهکاران را خارج از صلاحیت، کارکرد و هدف مجازات تلقی می کند.

در همین چارچوب، عده ای از اندیشمندان کیفری - بویژه جامعه شناسان و حقوقدانان آمریکایی - با تأکید بر امنیت مدارکردن نظام کیفری، مدل «عدالت سنجشی» یا «عدالت تخمینی» یا «کیفرشناسی جدید» را مطرح کرده اند که باید به مدیریت و اداره بزهکاران و بزهکاری بپردازد، خطر بزهکار را برآورد کند و با توجه به میزان خطر به نگهداری و مهار او بیندیشد، اصلاح و مسؤول کردن بزهکار جای خود را به میزان خسارتی که وی وارد کرده است بدهد. بدین سان، عدالت کیفری مدیریت خطر بزهکاری را معیار کار خود قرار می دهد. در این مدل، هدف درواقع نظارت و کنترل گروههایی است که در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارند، چنان که خطر جرم و میزان بزهکاری برای جامعه قابل تحمل تر شود. گفتمان عدالت سنجشی تعریف و توصیف فرد از نظر اخلاقی (سزادهندگی) یا از نظر بالینی (بازپروری)، نیست، بلکه از یک دیدگاه مدیریتی عدالت کیفری، از تلفیق اندیشه های اقتصادی - کیفرشناختی تبعیت می کند و در واقع، طرفدار نظارت الکترونیکی و سایر نظارتها و اقدامهای وضعی پیشگیرنده و نیز انجام تستهای مختلف برای برآورد خطر بزهکاری نزد افراد است، بنابراین طولانی شدن محکومیت به حبس تابعی است از میزان خطر مجرمانه بزهکار در آینده.

دیدگاه دیگر به جای تکیه بر مجازات و تقویت جنبه سزادهندگی آن، با تلفیق بعضی جنبه های مدلهای سزادهنده و بازپرورانه عدالت کیفری و قرائت جدیدی از آنها و نیز لحاظ منافع و حقوق بزه دیدگان و نیازهای جامعه محلی یا شبکه های خانوادگی و

اجتماعی (محلّه، محیط کار، همسایگان، دوستان و خانواده های بزهکار و بزه دیده، و...) پس از وقوع جرم، مدل یا راه سومی را برای عدالت کیفری پیشنهاد کرده اند که به «عدالت ترمیمی» یا عدالت ترمیم بخش و احیاگر مشهور شده است.

به طور کلی رویکرد ترمیمی، تحت تأثیر دستاوردهای بزه دیده شناسی حمایتی که بزه دیده را در هر حال مستحق حمایت و کمک می داند فعالیتهای جنبش فمینیستی که زنان قربانی جرایم خشونت آمیز را شایسته حمایت مادی - روانی - عاطفی ویژه ای تلقی می کند و نیز ابتکارهای شبه قضایی محلی مردمی و بعضی قضات، ابتدا بر فعال کردن نقش بزه دیده - شاکی در طول فرآیند دادرسی کیفری و تأثیرگذاری مطالبات و خواسته های شاکی (بزه دیده) - و نه نیازهای بزهکار بر جهت گیری تصمیمهای قضایی تأکید می کرد. بر اساس مطالعات مورخان حقوق کیفری وقانون نامه های دوره باستان، قربانیان جرایم (بزه دیدگان مستقیم و غیر مستقیم) از طریق حق و حتی در مواردی تکلیف انتقام جویی از بزهکار، مقابله به مثل و مطالبه غرامت (دیه)، در واقع نقش عمده ای را در دادرسی کیفری و حل و فصل اختلافهای ناشی از جرم ایفا می کردند و حتی در مواردی دولت، حاکم شهر یا جامعه می بایست خسارات وارد شده به بزه دیده را جبران می نمودند. با ظهور قدرت مرکزی سازمان یافته و دولت به معنای امروزی و به ویژه باتولد و گسترش حقوق کیفری مدرن که از اوایل سده نوزدهم میلادی در پرتو دیدگاههای بکار یا صورت گرفت. به تدریج نمایندگان دولت، یعنی کارگزاران پلیسی - قضایی، سرنوشت تعقیب و محاکمه کیفری را به دست گرفتند و بنابراین نقش شاکی (بزه دیده) در فرآیند کیفری کم رنگ شد. بدین سان اگر در گذشته، جرم موجب ورود خسارات و ضرر به بزه دیده و خانواده و قبیله یا طایفه آنها می شده. در رویکرد مدرن به بزهکاری، جرم عبارت است از نقض هنجارها و قوانینی که جنبه عمومی دارد، اگر در حقوق کیفری باستان طرفین بزه شامل بزه دیده، بزهکار و شبکه های خانوادگی و اجتماعی محلی می شده است. در حقوق کیفری مدرن، بزهکار و کل جامعه (دولت) دوطرف اصلی جرم محسوب می شوند و قضای به نام کل جامعه بزهکار را مجازات می کند.

عدالت ترمیمی - در مفهوم اولیه آن - در واقع احیاء و توسعه حقوق بزه دیدگان را در نظام کیفری و در کلیه مراحل رسیدگی مورد توجه قرار داد. چنانکه در تحولات تقنینی دودهمه اخیر بعضی کشورها (مانند فرانسه) دولت در مورد بعضی جرایم علیه اموال تا سقف معینی و در مورد جرایم علیه اشخاص بدون سقف، جبران خسارت مادی بزه دیدگان را در صورت ناشناخته بودن، فراری بودن یا معسر بودن بزهکاران به عهده می گیرد. طرفداران رویکرد ترمیمی، برای اینکه (عدالت ترمیمی) به عنوان راه یا مدل سوم بتواند همه جنبه های عدالت کیفری کلاسیک را متحول کند و یا جانشین آن شود، در تحولات بعدی خود و با الهام از تجربه های شبه قضایی محلی - مردمی دست به نظریه پردازی جامعی درباره مفهوم ترمیم زدند. بدین سان، علاوه بر توجه به حقوق و منافع بزه دیده، سرنوشت اجتماعی - خانوادگی بزهکار، وضعیت جامعه محلی به عنوان بزه دیده ثانوی و حتی مصالح کل جامعه در جرایم شدید نیز در مراحل مختلف رسیدگی و حتی در هنگام تعیین و اجرای مجازات مورد توجه آنها قرار گرفت. چنان که برای کلیه اشخاصی که دارای نفع، سهم یا حقی در جرم ارتكابی هستند، یعنی بزه دیده (شاکی)، بزهکار (متهم)، جامعه محلی (خانواده ها یا خویشان یا همسایگان یا دوستان یا همکاران یا محلّه یا شهرک) درگیر در موضوع و آثار جرم و به طور کلی از محیط جرم ارتكابی و محیطهای نزدیک به دو طرف جرم که در هر حال به طور مستقیم یا غیر مستقیم از وقوع جرم متأثر و یا دچار اختلال شده اند و بالاخره در مورد جرایم شدید، جامعه در سطح کل آن، پاسخی ترمیمی، تصالحی و سازشی و در عین حال مسؤولیت بخش برای بزهکار داشته باشد.

۲-۳- وجوه افتراق و تمایز نظام عدالت کیفری و عدالت ترمیمی

پس با توجه به مطالب پیش گفته می توان وجوه افتراق اصول و ارزش های عدالت کیفری سنتی و عدالت ترمیمی را به شرح ذیل برشمرد.

۱- عدالت ترمیمی به صورت افقی، عرضی، توافقی و سازشی است. در حالیکه عدالت کیفری عمودی، طولی و یک جانبه است. به بیان اخیر، عدالت ترمیمی بزه دیده، بزه کار و جامعه در عرض یکدیگر در صدد تامین عدالت و احقاق حق و ترمیم خسارت هستند حال آنکه مکتب سزا ده و بازپرورانه در احقاق حق و عدالت به صورت عمودی و از بالا به پایین بوده و از بالا توسط قاضی به پایین تحمیل می شود و بزه دیده خیلی نقش مداخله ای در آن نمی تواند داشته باشد (شیدائیان، پیشین، ۱۱)

۲- تفاوت دوم عدالت ترمیمی و کیفری در هدف آنهاست. هدف از اصول و ارزشهای نظام عدالت کیفری، احراز مجرمیت بزهکار و اعمال مجازات است. در حالیکه در عدالت ترمیمی هدف جبران بازسازی و ترمیم خسارت های وارده بر بزه دیده و پاسخگو کردن بزهکار به صورت رودررو است.

۳- در نظام عدالت کیفری، جرم نقض قوانین دولتی و لطمه به ارزشهای اساسی جامعه تلقی می شود. در حالی که در عدالت ترمیمی، جرم اختلاف بین اصحاب و اطراف دعواست که در حل و فصل بزه دیده و جامعه محلی و وابستگان آنان وارد می شود. در این میان نقش بزه دیده اساسی و فعال است.

۴- در نظام عدالت کیفری تحقق عدالت تحکمی و یکسویه و از بالا به پایین و جبری است در حالیکه نظام بزه دیده شناسی، با مشارکتی داوطلبانه و فعال در رسیدن تفاهمی ترمیمی به منظور اتخاذ راه حل مرضی الطرفینی است. بنابراین اختیاری و داوطلبانه است (سماواتی پیروز ۱۳۹۹: ۴۳) بنابراین در قیاس عدالت سنتی (کلاسیک) با عدالت ترمیمی مشخص می شود که این دو سیستم در طرز تلقی از جرم، هدف ها آیین و روش، نقش بزه دیده، نقش بزهکار، نقش جامعه (محلی)، جبران خسارت وارده و مسوولیت با هم تفاوت دارند.

۲-۳-۱- اصول اساسی عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی به دنبال ایجاد توازن بین نیاز های واقعی بزه دیده و جامعه و بزهکار است و در این میان دفاع از جامعه و محافظت از آن را تقویت می کند و در عین حال که به نیازها و حقوق بزهکار توجه دارد، به مسوولیت پذیری آگاهانه و فعال بزهکار در مقابل فرد، جامعه، بزه دیده و بستگان وی تاکید دارد. عدالت ترمیمی از فرایند مشارکتی جهت دستیابی به اهداف عدالت ترمیمی از قبیل جبران خسارت بزه دیده، التیام آلام و دردهای بزه دیده و اصلاح بزهکار استفاده می نماید، که این فرایند مشارکتی یا میانجیگری در عدالت ترمیم از سه اصل پیروی می کند.

۲-۳-۱-۱- اصل استقلال

بدین معناست که فرایند مشارکتی فرایندی است غیر رسمی و مردمی، جهت حل و فصل دعاوی مردمی. در این فرایند از نهاد رسمی دادگستری، از مقام رسمی به نام قاضی، از آیین دادرسی رسمی به نام آیین دادرسی کیفری جهت حل و فصل استفاده نمی شود بلکه از نهاد های مردمی و شخصیت های مردمی به عنوان میانجیگر و مهارت های میانجیگری و مصالحه به جای آیین دادرسی استفاده می شود. بنابراین می توان گفت فرایند مشارکتی عدالت ترمیمی، فراین مستقل با ساز و کارها و ویژگی های متمایز می باشد.

۲-۱-۳-۲- اصل اختیاری بودن

دومین اصل حاکم بر فرایند عدالت ترمیمی اصل اختیاری بودن است. این اصل بدین معناست که طرفین پرونده مجبور به ورود در فرایند عدالت ترمیمی نمی باشند؛ می توانند فرایند رسمی را جهت حل و فصل دعاوی خود طی نمایند و می توانند داوطلبانه فرایند مشارکتی را انتخاب کنند.

۲-۱-۳-۲- اصل محرمانه بودن

این اصل بدین معناست که گفتارها و نوشتارهای مطرح شده در فرایند عدالت ترمیمی در این فرایند مکتوم می ماند و خارج از فرایند عدالت ترمیمی منعکس نگردیده و قابل استفاده و قابل استناد نمی باشد. محرمانه بودن فرایند عدالت ترمیمی از این روست که این فرایند در ابتدا و در ادامه ی انتخابی است و طرفین دعوا در ابتدا و نیز در ادامه اختیار دارند که فرایند را اختیار نمایند یا از آن انصراف داده و دعوی را در فرایند رسمی دادگستری ادامه دهند. از این رو چنانچه بزهکار در فرایند مصالحه و سازش، اقرار به جرم و خسارت نماید، بزه دیده نمی تواند در میان راه اقرار را مورد بهره برداری قرار داده و به فرایند دادگستری منتقل گردد و در آنجا به استناد اقرار جرم را اثبات نماید. اصول دیگری را نیز به عنوان اصول عدالت ترمیم ذکر کرده اند که به ترتیب عبارتند از؛ جبران خسارت و بازسازی که با تعبیر مختلفی بیان می شود (-Reparation-Restoration Compensation-Make the thing right)، تعدد افرادی که در عدالت ترمیمی ایفای نقش می کنند، اولویت داشتن نقش جامعه ی محلی و در سایه بودن نقش دولت (نجفی ابرند آبادی، پیشین: ۱۶۹۵)

۲-۳-۲- علل روی آوردن به عدالت ترمیم

اعتقاد منتقدین به عدالت کیفری سرکوبگر این است که عدالت برای بزه دیده و افراد جامعه و حتی بزهکار به اجرا در نمی آید. در نظام مزبور بزهکار محور توجهات قرار می گیرد، اما محوری که موضوع تحمیل اخطارها و شداد و غلاظ نظام عدالت کیفری است. گفته می شود که چون وی با رفتار خود به ساحت قانون جزا تعرض نموده است، بنابراین با کیفر دادن وی این تجری و گستاخی و بی اعتنائی پاسخی قاطع پیدا می کند. اما از این عدالت و اعمال آن، بزه دیده کمترین نفع و سهم را می برد، زیرا با وجود اینکه وی به واسطه ارتکاب جرم، متضرر و متحمل درد و رنج و مرارت شده است، اکنون برای اثبات تعرض به قانون جزا، کاربردی فراتر از یک دلیل و شاهد ندارد و حتی با ورود به دستگاه عدالت کیفری متحمل رنج ها و خسارت های ثانوی می شود و هنگامی که در محضر دادگاه حضور می یابد، توسط بزهکار و وکلای مدافع وی متهم می گردد که در بیان بزه دیدگی و دردها و رنج های ناشی از آن، صداقت ندارد و بدین ترتیب متهم به دروغگویی شده و بازنده ی فرایند عدالت کیفری نیز می شود. (عباسی، ۱۳۸۹، پیشین، ۸۶) آرمان عدالت ترمیمی در واقع تغییر و تبدیل روابط بین بزهکار و بزه دیده و در نهایت روابط محلی است که در پی ارتکاب جرم، خصومت آمیز و تنش دار شده است، حال آنکه عدالت کیفری سنتی عمدتاً به دنبال احراز مجرمیت و مجازات یا برائت متهم است. در عدالت ترمیمی، جامعه محلی، خویشان و بستگان دیگر نظاره گر نیستند، بزه دیده در فرایند رسیدگی و حل و فصل اختلاف، مشارکت فعال دارد، بزهکار از نتایج عمل مجرمانه ی خود، به ویژه خسارت روانی-عاطفی که ایجاد کرده است، مطلع می گردد و در رفع و ترمیم آن داوطلبانه شرکت می کند، بزه دیده از انگیزه ی عمل او و تحول فکر وی بعد از جرم آگاهی پیدا می کند و بدین ترتیب طرفین حقایق را فارغ از الزام و فشار عدالت کیفری و عواقب آن، بیان می کنند و با رسیدن به یک راه حل ترمیمی مرضی الطرفینی، در واقع با هم آشتی می نمایند که این مصالحه و

آشتی در نهایت از تکرار جرم پیش گیری خواهد کرد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۸: ۴۵) ایرادی که نسبت به نظام عدالت بازپرورانه وارد می شود این است که مجازات، درمان نیست و رسالت دادگاه ها اصلاح و درمان نیست و تفکراتی که مجازات را اصلاح و درمان بزهکار می دانند باعث تضعیف نظام عدالت کیفری می شوند. واقعیت این است که بیمار داوطلبانه به درمان متوسل می شود ولی مجازات به بزهکار تحمیل می شود^۱. سزا دهی به دنبال آن است که از قانون با تعیین مجازات و اجرای آن حمایت کند در حالیکه عدالت ترمیمی در جستجوی آن است که از بزه دیده با درک رنج ها و تالم های او و از رهگذر ایجاد تعهد هایی برای کسانی که مکلف به اعاده ی وضع به روش مطلوب هستند، دفاع کند.

بنابراین علل روی آوری به عدالت ترمیم را میتوان چنین برشمرد:

الف- برنامه های عدالت ترمیمی نسبت به عدالت کیفری، احساس امنیت و همچنین نظم بسیار خوبی را ایجاد کرده است.

ب- برگرداندن بزهکاران و بزه دیدگان از دادرسی رسمی عادی، به یک روش کم هزینه تر و منعطف تر و به دور از خشونت های دادرسی رسمی عادی. (قضا زدایی)

ج- کاهش هزینه های اعمال عدالت کیفری

د- پیشگیری از تکرار جرم.

ه- فقدان تقصیر و قصور و ناتوانی عدالت کیفری سنتی در رسیدن به هدف های پیش گیری از جرم و اصلاح بزهکاران. و- نقش حاشیه ای عدالت کیفری سنتی در پاسخ دهی به جرم؛ به گونه ای که فقط تعداد اندکی از جرایم مکشوفه منجر به اعمال ضمانت اجرای کیفری شود.

ز- تاکید و اعتماد عدالت کیفری سنتی بر مجازات به عنوان پاسخ جرم و زیان وارده (سماواتی پیروز، پیشین، ۳۶)

ح- ناتوانی نظام عدالت کیفری سنتی در تامین نیازها و مطالبات بزه دیدگان.

ط- عدالت ترمیمی عدالتی انسان گرا است. عدالتی حقوق بشری است. زیرا اصول انسانی وقواعد حقوق بشری توصیه می نماید خسارات و لطمات شهروندان بدون جبران باقی نماند.

ی- این عدالت عدالتی در دسترس است. چون نهادهای رسیدگی کننده مردمی بوده و در هر حکومتی قابل تشکیل و در دسترس می باشد (شیدائیان، پیشین، ۶)

۳- روش تحقیق

روش انجام این تحقیق روش رابطه سنجی و همبستگی می باشد در این روش پژوهشگر به دنبال کشف روابط و پیش بینی رویدادها نیست. روش مورد استفاده در این تحقیق رابطه سنجی می باشد بدین قرار که محقق با استفاده از پرسشنامه که دارای مجموعه ای از سوالات است، پاسخگویان را مورد آزمون قرار داده و اطلاعات را گردآوری کرده است.

۳-۱- جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق قضات، کلیه نیروهای انتظامی شهر نورآباد می باشد. که حدود ۱۵۰ نفر جامعه آماری را تشکیل داده اند.

^۱ -سماواتی پیروز، امیر، پیشین، ص ۳۶.

۳-۲- نمونه آماری و تعیین حجم نمونه

از تعداد کل جامعه آماری تعداد ۵۰ نفر از افراد را به عنوان نمونه آماری انتخاب کردیم. در این تحقیق با توجه به حجم وسیع جامعه آماری و به منظور تسهیل و تسریع کار تحقیق و صرفه جویی در وقت و هزینه ها به ناچار تعدادی از افراد جامعه آماری به عنوان نمونه معرفی و به صورت تصادفی برای مطالعه انتخاب شدند. محاسبه نمونه بر اساس فرمول کوکران می باشد. "نمونه عبارتست از تعدادی از افراد که صفات آنها با صفات جامعه مشابهت داشته، معرف جامعه بوده و از تجانس و همگنی با افراد جامعه برخوردار باشد"^۱.

۳-۳- روش نمونه گیری و حجم نمونه

در این تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شده است. این روش یکی از بهترین روش های نمونه گیری است زیرا در این روش همه ی اعضای جامعه شانس مساوی برای انتخاب شدن دارند. حجم نمونه $n = 50$

۳-۴- ابزار گردآوری تحقیق**۳-۴-۱- پرسش نامه**

پرسشنامه یکی از ابزارهای رایج تحقیق و روشی مستقیم برای کسب داده های پژوهش است.^۲ پرسشنامه مجموعه ای از سوالات است که پاسخ دهنده با ملاحظه آنها پاسخ لازم را ارائه می دهد. این پاسخ، داده مورد نیاز پژوهشگر را تشکیل می دهد. سوالات پرسشنامه را نوعی محرک پاسخ می توان محسوب کرد. از طریق سوالات پرسشنامه می توان دانش، علایق، نگرش ها و عقاید فرد را مورد ارزیابی قرار داد، به تجربیات قبلی وی پی برده و به آنچه در حال حاضر انجام می دهد آگاهی یافت. ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه ۳۲ سوالی است.

۳-۴-۱-۱- پایایی پرسشنامه

منظور از قابلیت اعتماد پرسشنامه میزان سازگاری نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه در یک محیط نسبتا مشابه با محیط قبلی است. هر چقدر میزان سازگاری بیشتر باشد پایایی پرسشنامه بیشتر خواهد بود، به عبارت دیگر پایایی یعنی اینکه ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد، برای محاسبه ضریب پایایی شیوه های مختلفی به کار می روند که عبارتند از: اجرای دوباره، روش موازی، روش تنصیف، روش کودر- ریچاردسون و آلفای کرونباخ.

۳-۴-۱-۲- روش محاسبه آلفای کرونباخ^۳

یکی از روش های محاسبه اعتبار و اعتماد علمی پرسشنامه ها محاسبه "آلفای کرونباخ است". محاسبه هرچه این شاخص به ۱ نزدیکتر شود به معنی همبستگی درونی بالاتر و همگن تر بودن پرسش ها خواهد بود. بدیهی است در صورت پایین بودن مقدار آلفا بایستی بررسی نمود که با حذف کدام پرسش ها مقدار آن افزایش خواهد یافت.^۱

^۱ - حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۷) روش های تحقیق در مدیریت ص، ۱۲۱

^۲ - حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۷) روش های تحقیق در مدیریت، نشر دوران. ص ۱۱۷

^۳ - Cronbach's Alpha

در این پژوهش جهت سنجش میزان پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج مربوط به آن در فصل چهارم تشریح می‌شود. مطابق آنچه که در فرمول مشاهده می‌شود برای محاسبه مقدار آلفای کرونباخ ابتدا پرسشنامه‌ها در بین یک گروه ۱۰ نفری از اعضای نمونه توزیع کردیم و بر روی نرم افزار آماری SPSS کد گذاری خواهد شد هدف از این کار پی بردن به میزان اعتبار پرسشنامه یا به عبارتی دیگر اینکه آیا پرسشنامه قابلیت اعتبار در نمونه مورد مطالعه را دارد یا خیر. در این پژوهش آلفا کرونباخ = ۰/۷۱۲ می باشد.

۳-۵- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از تکمیل فرم‌ها اطلاعات بدست آمده بوسیله نرم افزار SPSS تحلیل شد و از کلیه متغیرهای وارد شده آمار توصیفی همچنین آمار استنباطی گرفته شد و رد یا تایید فرضیات جهت پی بردن به سطح رابطه و همبستگی میان متغیرها مشخص شدند. دو دسته آزمون توصیفی (شامل فراوانی، درصد و انحراف معیار داده‌ها) و آزمون استنباطی شامل آزمون تحلیل همبستگی و آزمون رتبه بندی تی با هدف بررسی فرضیات انجام گردید.

۳-۵-۱- توصیف محل تحقیق منطقه مورد مطالعه

شهرستان ممسنی یکی از شهرستان‌های استان فارس در ایران است. مرکز این شهرستان، شهر نورآباد می‌باشد. شهرستان ممسنی از لحاظ جغرافیایی در غرب شیراز قرار گرفته‌است. جمعیت این شهرستان نیز طبق سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۵، برابر با ۱۱۷'۵۲۷ تن بوده‌است. منطقه‌ای که ممسنی در آن ایجاد شده‌است اولین بار به خاطر وجود مراتع غنی مورد توجه اقوامی که دارای معیشتی مبتنی بر دامداری بوده‌اند، قرار گرفت. به همین خاطر، اولین اقوام ساکن در این منطقه، قوم شول، از دیگر اقوام لر بوده‌اند. در چند سال گذشته و با کشف منابع نفتی در حوزه ممسنی، این شهر مورد توجه بیشتری قرار گرفت. فراگیری علم در سطح بالا و همچنین کشاورزی فوق‌العاده با محصولات مرغوب مورد توجه مردم ممسنی از زمان‌های گذشته تا به امروز بوده‌است. شهرستان ممسنی به شهر دانشجو در کشور نیز شهره می‌باشد. وجود بنای تاریخی لیدوما در این شهرستان که دارای قدمتی پنج هزار ساله می‌باشد از پربار بودن تاریخ این دیار حکایت دارد.

تسمیه و پیشینه تاریخی ممسنی در سال ۱۲۲۰ شمسی ممسنی را شولستان نیز خوانده‌اند که به معنای سرزمین شول‌هاست. شول‌ها یکی از طوایفی بودند که پس از استقرار در این ناحیه، به این نام مشهور شدند. مرکز ولایتی که ممسنی در آن قرار داشت، شهر شاپور در چند کیلومتری کازرون بود که نوشته‌اند در زمان تزلزل حکومت سامانیان، به وسیله ابوسعید شبانکاره با خاک یکسان شد؛ ولی در زمان حکومت سلجوقیان دوباره تعمیر و بازسازی شد و رونق گذشته خود را بازیافت. منطقه‌ای که ممسنی در آن ایجاد شده‌است، اولین بار به خاطر وجود مراتع غنی مورد توجه اقوامی که دارای معیشتی مبتنی بر دامداری بوده‌اند، قرار گرفت. به همین خاطر، اولین اقوام ساکن در این شهر قوم شول بوده‌اند. بنا به اسناد و کتاب‌های تاریخی و کاوشهای باستانشناسی و نظریه‌های مردم‌شناسی سابقه تاریخی شهرستان ممسنی به سه بخش تقسیم می‌گردد:

الف: دوران پیش از تاریخ وجود جنگلها و مراتع گسترده، منابع غنی آب و خاک، دشت‌های حاصلخیز و کم شیب، تنوع آب و هوایی و گیاهی و شکار فراوان همه و همه شرایط مساعد و مطلوبی بودند تا تمدنهای اولیه پیش از تاریخ در این اقلیم پهناور شکل گرفته، رشد و نوظافت و سده‌ها دوام بیاورد و آثار آن تا به امروز بر جای بماند. ممسنی در طول دوران به عنوان پل

^۱ - اژدری فام، ناصر (۱۳۸۷)، راهنمای روش‌های تحقیق، انتشارات دانشگاه پیام نور، ص ۷۸

ارتباطی میان حوزه‌های بویراحمد، پارس، خوزستان، زاگرس، بوشهر، و خلیج فارس قرار گرفته و می‌توان با تحقیقات علمی و باستانشناسی کلیه فرهنگ و تمدنهای پیش از تاریخ استانهای همجوار را نیز در آن جستجو کرد. آثار بجا مانده از دوران پیش از تاریخ در این شهرستان مربوط به هزاره سوم تا هشتم پیش از میلاد است که در قالب تپه‌های باستانی نمایان است.

ب: دوران تاریخی دوران تاریخی این شهرستان مربوط به اوایل هزاره سوم پیش از میلاد مسیح می‌باشد که از جمله این تمدن‌ها نقش برجسته کورنگون مربوط به دوره عیلام در دو هزار و چهارصد سال پیش از میلاد- گوردخمه سنگی مربوط به دوران ماد در هفتصد سال پیش از میلاد - گوردخمه داودختر روستای مراسخوان مربوط به ششصد و پنجاه سال پیش از میلاد- کاخهای هخامنشی روستای سروان - تل کاخداداد گچگران مربوط به پانصدسال پیش از میلاد- آتشفشان میل اژدها مربوط به دوران اشکانیان در یکصد و بیست سال پیش از میلاد- نقش برجسته سرآب بهرام- شهرتوج- شهر نوبندگان- شهرخوبدان (فهلپیان) و سد منصورآباد مربوط به دوران ساسانی می‌باشد.

پ: دوران اسلامی آثار و ابنیه تاریخی اسلامی در سراسر ممسنی موجود است از جمله آن‌ها می‌توان شهر خفرک و تشگه در شوسنی و مصیری و شهر چهاربازار تل اسپید را نام برد. نام قدیمی این شهرستان در بدو تشکیل انبوران و سپس شولستان و در اواخر سلسله صفوی به ممسنی تغییر نام یافت.

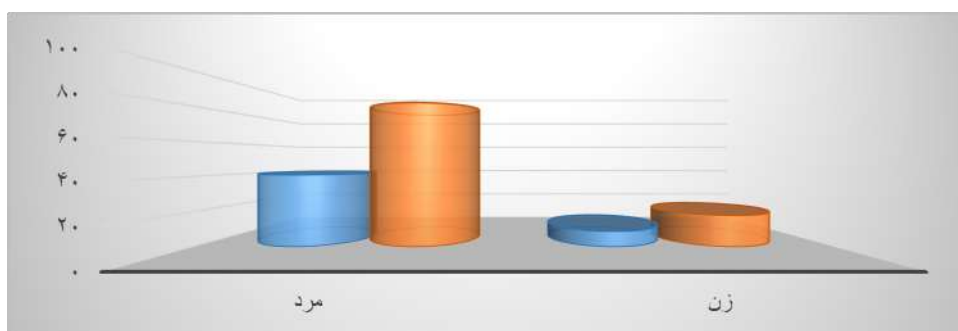
۴- تجزیه تحلیل داده های

۴-۱- یافته های توصیفی

جدول ۴-۱ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب جنسیت پاسخگویان

درصد	فراوانی	شاخص ها جنسیت
۸۲٪	۴۱	مرد
۱۸٪	۹	زن
۰.۱۰۰	۵۰	تعداد

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه آماری نمونه مورد مطالعه بر اساس متغیر جنس می باشد، از مجموع ۵۰ نفر پاسخگوی مورد مطالعه ۸۲٪ مرد و ۱۸٪ زن بوده اند. درصد ها به نسبت جمعیت نمونه بدست آمده است.

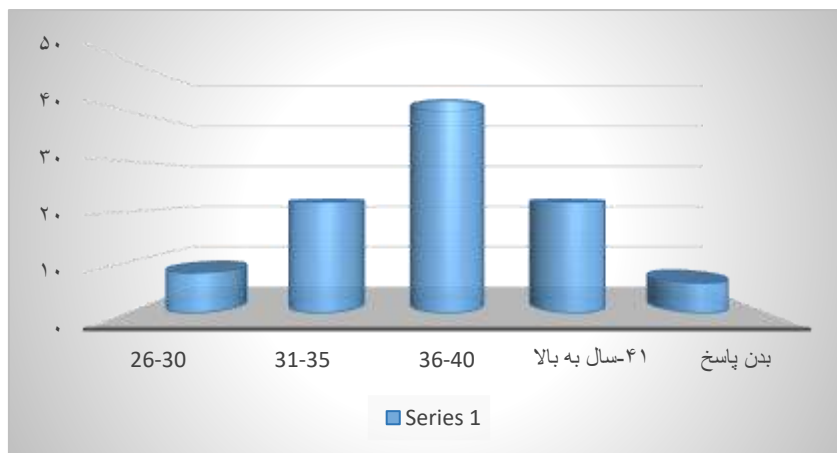


نمودار ۱-۴ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب جنسیت پاسخگویان

جدول ۲-۴ جدول توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب سن پاسخگویان

درصد	فراوانی	شاخص ها سن
۸٪	۴	۲۶ تا ۳۰ سال
۲۲٪	۱۱	۳۱-۳۵ سال
۴۲٪	۲۱	۳۶ تا ۴۰ سال
۲۲٪	۱۱	۴۱ سال به بالا
۶٪	۳	بدون پاسخ
۰.۱۰۰	۵۰	تعداد

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه آماری بر اساس متغیر سن می باشد، از مجموع ۵۰ نفر مورد مطالعه ۸٪ بین ۲۶ تا ۳۰ سال و ۲۲٪ بین ۳۱ تا ۳۵ ساله ۴۲٪ بین ۳۶ تا ۴۰ سال و ۲۲٪ بالاتر از ۴۱ سال سن داشته اند. همچنین ۶ سن خود را اعلام نکرده اند درصد ها به نسبت جمعیت نمونه بدست آمده است.

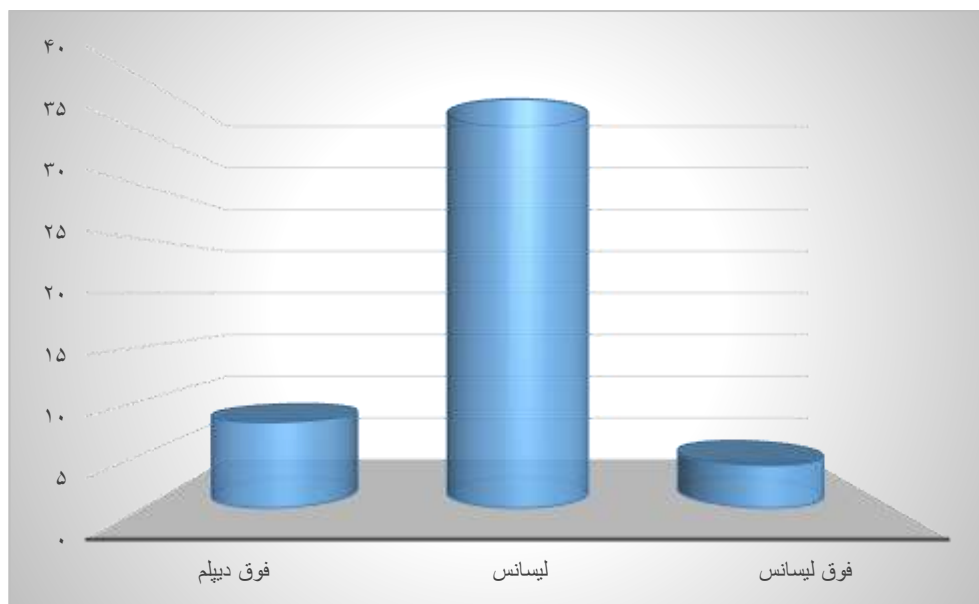


نمودار ۲-۴ جدول توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب سن پاسخگویان

جدول ۳-۴ جدول توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب وضعیت تحصیلی پاسخگویان

درصد	فراوانی	شاخص ها وضعیت تحصیلی
۱۶٪	۸	فوق دیپلم
۷۶٪	۳۸	لیسانس
۸٪	۴	فوق لیسانس و دکتری
۱۰۰٪	۵۰	تعداد

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه آماری بر اساس متغیر وضعیت تحصیلی پاسخگویان می باشد، از مجموع ۵۰ پاسخگو مورد مطالعه ۱۶٪ پاسخگویان فوق دیپلم، ۷۶٪ لیسانس، ۸٪ فوق لیسانس و دکتری داشته اند. درصد ها به نسبت جمعیت نمونه بدست آمده است.

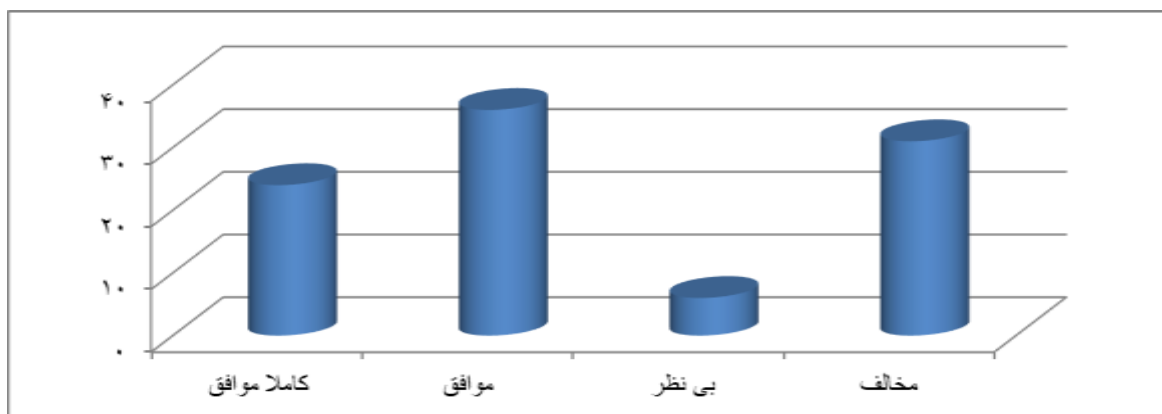


نمودار ۳-۴ جدول توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب وضعیت تحصیلی پاسخگویان

جدول ۴-۴ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب نظام عدالت کیفری تحقق عدالت تحکمی و یکسویه و از بالا به پایین و جبری

شاخص ها	فراوانی	درصد
کاملاً موافق	۱۲	۲۴٪
موافق	۱۸	۳۶٪
بی نظر	۳	۶٪
مخالف	۱۷	۳۴٪
تعداد	۵۰	۱۰۰٪

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی نمونه آماری نمونه مورد مطالعه می باشد، از مجموع ۵۰ نفر پاسخگوی مورد مطالعه ۲۴٪ کاملاً موافق، ۳۶٪ موافق، ۶٪ بی نظر و ۲۸٪ و ۲۱ درصد مخالف بوده اند درصد ها به نسبت جمعیت نمونه بدست آمده است.

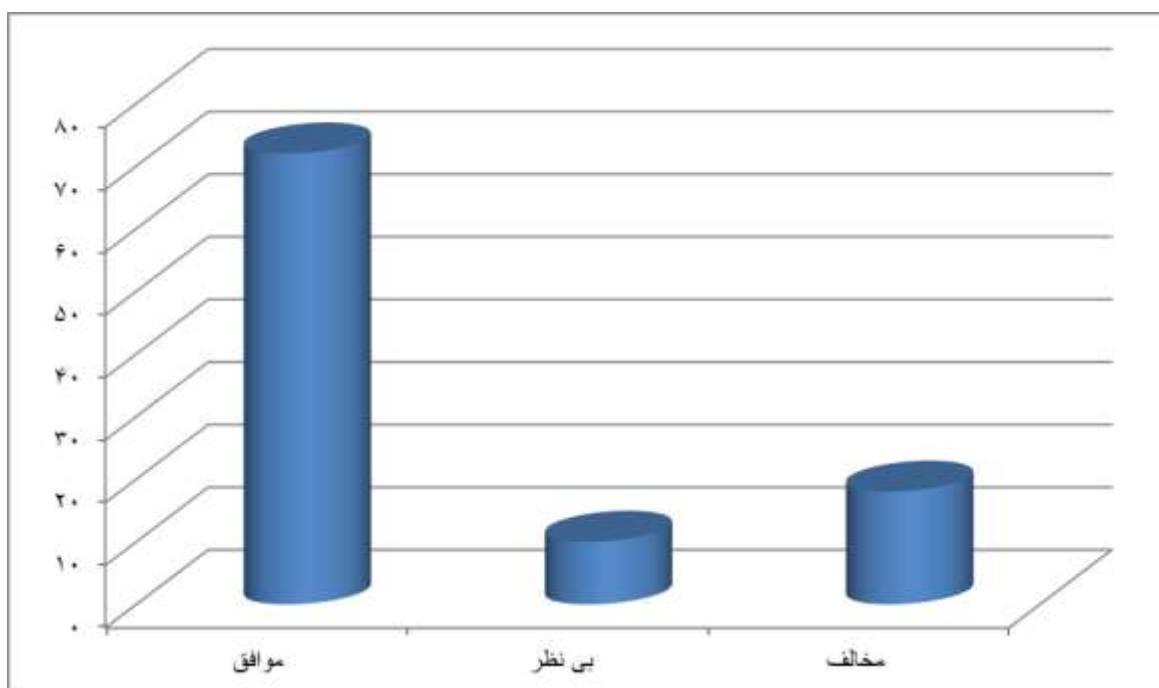


نمودار ۴-۴ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه بر حسب نظام عدالت کیفری تحقق عدالت تحکمی و یکسویه و از بالا به پایین و جبری

جدول شماره ۴-۵ جدول توزیع فراوانی عدالت ترمیمی به دنبال ایجاد توازن بین نیاز های واقعی بزه دیده و جامعه و بزهکار

شاخص ها	فراوانی	درصد
موافق	۳۶	۷۲٪
بی نظر	۵	۱۰٪
مخالف	۹	۱۸٪
تعداد	۵۰	۱۰۰٪

بر اساس یافته های جدول فوق ۷۲ درصد موافق، ۱۰ درصد بی نظر، ۱۸ درصد مخالف بوده اند.



نمودار ۴-۵ جدول توزیع فراوانی عدالت ترمیمی به دنبال ایجاد توازن بین نیاز های واقعی بزه دیده و جامعه و بزهکار

۲-۴- یافته های استنباطی

فرضیه اصلی

به نظر می رسد مهمترین اثر رویکرد عدالت ترمیمی بر بزه دیده به رسمیت شناختن جایگاه وی و جبران خسارت های وارده به او و نسبت به بزهکار، تقویت حس مسئولیت پذیری او و باز پذیری اجتماعی وی می باشد.

جدول ۴-۳ ضریب همبستگی بین رویکرد عدالت ترمیمی بر بزه دیده به رسمیت شناختن جایگاه وی و جبران خسارت های وارده به او و نسبت به بزهکار

متغیر ها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
رویکرد عدالت ترمیمی	۴۵.۵	۰/۸۷۵۹	ضریب همبستگی	۰/۷۸۹
به رسمیت شناختن جایگاه وی و جبران خسارت های وارده	۴۲.۳	۰/۷۴۴۲	معناداری	۰/۰۱

بر اساس نتایج حاصله از آزمون فرضیه اصلی ضریب همبستگی پیرسون بین رویکرد عدالت ترمیمی بر بزه دیده به رسمیت شناختن جایگاه وی و جبران خسارت های وارده به او و نسبت به بزهکار رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری $\leq \text{sig}$ 05/قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد. چون ضریب معناداری ۰/۰۱ می باشد و از

سطح معنا داری ۰/۰۵ $\leq \text{sig.}$ کمتر است به عبارت دیگر می توان گفت به رسمیت شناختن جایگاه وی و جبران خسارت های وارده متاثر از عدالت ترمیمی می باشد پس فرضیه با ۹۹٪ احتمال قابل قبول است.

فرضیات اول فرعی

بنظر می رسد ابزارهای موجود در این شهرستان ها در تامین حقوق بزه دیدگان موثر نبوده است.

جدول ۴-۳ ضریب همبستگی بین ابزارهای موجود و تامین حقوق بزه دیدگان

متغیر ها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
ابزارهای موجود	۳۱۸.۲	۵۴.۱	ضریب همبستگی	۰/۵۴۱
تامین حقوق بزه دیدگان	۴۲.۳	۰/۵۷۴	معناداری	۰/۰۳

منبع: یافته های پژوهشگر (خروجی نرم افزار SPSS)

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ابزارهای موجود و تامین حقوق بزه دیدگان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری ۰/۰۵ $\leq \text{sig.}$ قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۱ می باشد و از سطح معنا داری ۰/۰۵ $\leq \text{sig.}$ کمتر است پس فرضیه با ۹۹٪ احتمال قابل قبول است به عبارت دیگر تامین حقوق بزه دیدگان می تواند متاثر از ابزارهای موجود و مفید در شهرستان باشد.

فرضیات دوم فرعی

بنظر می رسد با وجود قوانین فعلی تاثیرگذاری این نهاد ها در پیشگیری از تکرار جرم در حال حاضر کم است.

جدول ۴-۳ ضریب همبستگی بین قوانین فعلی و پیشگیری از تکرار جرم

متغیر ها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
قوانین فعلی	۵۴.۴	۰/۴۱۸	ضریب همبستگی	۰/۴۵۸
پیشگیری از تکرار جرم	۴۲.۳	۰/۴۲۹۸	معناداری	۰/۰۴

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین قوانین فعلی و پیشگیری از تکرار جرم در شهرستان ممسنی رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری ۰/۰۵ $\leq \text{sig.}$ قابل قبول است. لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۴ می باشد و از سطح معنا داری ۰/۰۵ $\leq \text{sig.}$ کمتر است پس فرضیه با ۹۶٪ احتمال قابل قبول است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری

عدالت ترمیمی راهبردی است که در طول سالیان اخیر مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است و استفاده از آن در چند دهه گذشته سیر صعودی و جهشی داشته است آنچه که مسلم است با وجود توسعه سیستم های ترمیمی رسیدگی به دعاوی و اختلافات در کشورهای مختلف؛ تا رسیدن به نقطه مطلوب استفاده از برنامه های ترمیمی در امور کیفری همچنان فاصله زیادی وجود دارد. توسعه ی پژوهش های راهبردی در زمینه عدالت ترمیمی و ارزیابی این پژوهش ها می تواند به جلب اعتماد بیشتر قانونگذاران و همچنین رفع نواقض و ایرادات آن کمک فراوانی نماید.

قانونگذار ایران همچون برخی دیگر از قانونگذاران اروپایی در استفاده از شیوه های عدالت ترمیمی، سیاستی محافظه کارانه در پیش گرفته است و تلاش نموده است در ضمن توجه به جلوه های عدالت ترمیمی همچون میانجیگری، از بستر نهادهای کیفری موجود در « قانون آیین دادرسی کیفری » حداکثر استفاده را جهت ترمیم زیان های ناشی از جرم، اصلاح رفتار بزهکاران، توانگیری و خنثی کنندگی آنها و غیره نماید.

جلوه مقنن ایران در خصوص شیوه های عدالت ترمیمی به دو بخش تقسیم می شود: نخست جلوه درون سازمانی عدالت ترمیمی که تنها مورد آن در قالب میانجیگری ظهور نموده است و دارای شرایط خاصی در زمینه صدور حکم بوده و تعلیق تعقیب در جرایم غیرقابل گذشت. با توجه به ارزیابی های صورت گرفته در کشورهای گوناگون از میانجیگری میان بزه دیده و بزهکار می توان پیش بینی نمود که این نهاد به خوبی خواهد توانست در حل و فصل اختلافات و دعاوی عمل نماید. جلوه های دسته دوم شامل شیوه های نیمه ترمیمی می شود که در نهادهای کیفری «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب سال ۱۳۹۲ پیش بینی شده است که می توان این جلوه ها را جلوه های برون سازمانی عدالت ترمیمی و یا جلوه های تفویضی نامید.

از مجموع این جلوه ها می توان دریافت که مقنن اهداف مشخص و معینی را دنبال نموده و می توان امیدوار بود که پس از پایان دوره آزمایشی این قانون، چشم انداز روشنی از اهداف مقنن جایگزین رسیدگی رسمی به دعاوی، آنگونه که برخی پنداشته اند تصور نمود. عدالت ترمیمی می تواند به عنوان سیستم رسیدگی موازی با دستگاه عدالت کیفری رسمی در حل و فصل دعاوی و سازش دربرخی پرونده ها و برخی بزهکاران کارساز باشد و این دقیقاً همان جلوه قانونگذار ایران است.

سیاست جنایی مجموعه تدابیری است که هیات اجتماع اعم از دولت و جامعه محلی در قبال پدیده مجرمانه اعم از جرم و انحراف سامان می بخشد، اما سیاست کیفری تنها پاسخی است که از طرف دولت و بصورت یکسویه و تحکمی و تحمیلی به ناسازمندان اجتماعی، که امروزه در پناه اندیشه انسانی و جرم شناسانه، سیاست جنایی از حالت گم و سنتی و غیرعلمی، سمت و سوی علمی، انسانی و مدنی به خود گرفته است. عدالت ترمیمی، در حقیقت از شیوه های قدیمی و بومی حل و فصل اختلافات کیفری الهام می گیرد. در این رویکرد، اطراف جرم، جامعه محلی و دست اندرکاران عدالت کیفری در عرض هم و برابر بوده و به اتفاق در جهت حصول یک نتیجه و توافق مرضی الطرفینی مشارکت می کنند، که هدف از این مشارکت دستیابی به یک توافق ترمیمی است که همه از آن بهره مند شوند. پاسخ به جرم هم باید به گونه ای باشد که مرتکب را متوجه مسولیت عمل ارتكابی خود نماید، نیازهای بزه دیده را رفع نماید و جامعه محلی را آرام سازد. عدالت ترمیمی بر اساس اصل داوطلبانه بودن و رضایت بنا شده است؛ چنانکه اطراف و ذینفعان جرم هر لحظه می توانند از ادامه فرایند ترمیمی منصرف شده و به عدالت کیفری متعارف رجوع کنند. این رویکرد از طریق قطعنامه ی جولای ۲۰۰۲ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به دولت های عضو این سازمان توصیه شده است. عدالت ترمیمی با انتقاد از رویکرد سرکوبگرانه بدنبال پررنگ کردن

حقوق و نقش بزه دیده در فرایند تحقق عدالت است. این رویکرد که ملهم از بزه دیده مداری است با مشارکت مردمی و میانجیگری و تقویت کدخدانمنشی و ریش سفیدی در حل پدیده ی مجرمانه در صدد تحقق عدالت مدنی بدون خصیصه ی رسمی و دولتی است. به دنبال یک میانجیگری بی طرفانه، داوطلبانه، ترمیمی، تسالحي، سازشی و مذاکره ای در دستیابی به راه حل است که در تحقق این هدف اطراف و اصحاب دعوا را رودررو و در جامعه محلی و مدنی و با حضور فعال بزه دیده، بزهکار و جامعه ی محلی دور هم جمع می کند. از این رو بر عکس عدالت سزا دهنده و کیفری که بصورت عمودی و طولی از طرف حاکمیت به ناسازمندان اجتماعی تحمیل می شود، عدالت ترمیمی جرم را رابطه ی میان حاکمیت و مردم به صورت طولی نمی داند، بلکه قایل است جرم تجاوز و توهینی به مردم و روابط بین آنها تلقی می شود پس جرم یک امر مدنی و خصوصی است که پاسخ به آن، جبران و ترمیم کلیه ی خسارت های ناشی از جرم و اصلاح ذات البین و ساز می باشد. نا گفته پیداست که عدالت ترمیمی به معنای عدم مجازات بزهکار نیست، بلکه سیستم عدالت ترمیمی با داوطلبانه و مشارکتی بودن آن در جهت پیدا کردن راه حل مرضی الطرفین برای فیصله دادن به اختلافات ناشی از جرم است، که از این رهگذر فرصتی است که بزه دیده با برون ریزی مشکلات و آسیب های ناشی از جرم و استماع بزهکار، احساس ندامت کند. در تحقیقی که اینجانب در رابطه با رویکرد عدالت ترمیم و ارزیابی آثار آن بر بزه دیدگان و بزهکاران انجام دادم، از آنجا که در واقع کاری توصیفی- تحلیلی بوده، حال آنکه قرار است در پایان نامه به صورت گسترده تر و علاوه بر بخش کیفی، به صورت کمی و میدانی نیز کار شود تا نتایج مطلوب تر و نزدیک تر به واقع بدست آید لذا از این کار کیفی همه ی آنچه را که ما شاهد بوده و نتیجه گرفتیم دال بر مثبت بودن و بهتر بودن نظام عدالت ترمیم نسبت رویکرد عدالت کیفری هم در رابطه با بزه دیده، بزهکار و همچنین جامعه ی محلی بوده که از جمله ی آنها می توان تقویت حس مسولیت پذیری و باز پذیری اجتماعی نسبت به بزهکار و همچنین به رسمیت شناختن جایگاه بزه دیده و ترمیم و جبران خسارت های وی را نام برد. و دیدیم که برعکس ضمانت اجرای زاجره و سزا ده که شدید و خشک و خشن هستند حقوق جابرهو ترمیمی، نرم و غیر خشن می باشد و حقوق جابره دارای دارای ارزش عالی تری نسبت به حقوق زاجره که اساسا حاوی توبیخ، عار، ننگ، محرومیت است می باشد. که انشالله با یک کار میدانی به صورت علمی تر و دقیق تر به این سوال پاسخ خواهیم که آیا عدالت ترمیمی کارکردی مفیدی برای بزه دیدگان و بزهکاران داشته است یا خیر.

در کنار آن مقنن با واگذاری حل و فصل دعوا به طرفین آن و همچنین استفاده از ظرفیت های جامعه وی، حسن اعتماد خود را به جلوه های رسیدگی ترمیمی نشان داده و ضمن ایجاد نهاد و مؤسسات مردمی غیردولتی در ماده «۶۶» ق. آ. د. ک. مصوب سال ۱۳۹۲، نهادها و اشخاصی را جهت میانجیگری پیش بینی نموده است که این جلوه نقطه مقابل اندیشه های انعطاف ناپذیر سیاست جنایی پیشین ایران در استفاده حداکثر از روش دادگاه های رسمی را نشان می دهد.

از حیث عملی نیز با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی که در طول یک دهه قبل ارکان مملکت را به لرزه درآورده و نقاط ضعف قوه قضائیه نیز در آن دیده می شود، مقنن را ناچار نموده است تا از سیاست های الزامی بودن تعقیب عدول نموده و با تکیه بر اصل مفید بودن تعقیب، رسیدگی به جرایم کم اهمیت را به طرفین آن واگذار نماید و از این طریق به کم شدن بار هزینه های سرسام آور قضایی کمکی نموده باشد.

رویکرد عدالت خواهانه به عدالت ترمیمی که آن را با نتیجه حاصل از اعمال آن، یعنی بازسازی و ترمیم آثار مختلف جرم نسبت به بزه دیده، جامعه محلی (بزه دیده ثانویه)، بزهکار و در جرایم شدید، کل جامعه (دولت) تعریف و برآورد می کند در سطح گسترده ای مورد اقبال سیاست جنایی قرار گرفته است.

نظام کیفری ایران، به لحاظ تنوع اقوام، قدمت تمدن و در عین حال تکثر فرهنگ عامه حقوقی - قضایی ایرانی و نیز به جهت ویژگیهای فقه اسلام که با توجه به اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ۱۳۵۸ش (اصلاحی در سال ۱۳۶۸ ش)، منبع اصلی نظام حقوقی کنونی ایران محسوب می شود. دارای ظرفیت «ترمیمی» بالایی است. در این زمینه، علاوه بر عرف شبه قضایی معمول در میان بعضی عشایر و اقوام که به کمک آن امروز نیز پاره ای از اختلافات به صورت کدخدانمنشی خارج از مراجع رسمی حل و فصل می شود قانونگذار ایرانی نیز از دیرباز به این ظرفیت توجه کرده است.

در سطح قوه قضاییه، تهیه کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری، لایحه قانون تشکیل دادگاههای اطفال و نوجوانان یا لایحه قانون کیفرهای جایگزین حبس نیز با استفاده از اسناد بین المللی، از یک سو و دستاوردهای حقوق تطبیقی و جرم شناسی از سوی دیگر، جلوه های عدالت ترمیمی را در مطالعات خود و در لوایح تنظیمی یا در دست تدوین مورد توجه قرار داده و می دهند. به موجب این ماده، (دادسرا یا دادگاه، حسب مورد، برای حل و فصل دعوا جبران خسارت ناشی از جرم یا سازش طرفین، موضوع رابه شورای حل اختلاف، مددکاران اجتماعی یا هر شخص صالح دیگری به عنوان میانجی ارجاع می نماید. میانجی کوشش لازم و جهدکافی به قراری سازش بین طرفین به عمل می آورد و در هر صورت گزارش اقدام خود را برای اخذ تصمیم در مهلتی که دادسرا یا دادگاه تعیین می کند. تسلیم می نماید. دادسرا پس از وصول گزارش میانجی دال بر سازش طرفین، قرار موقوفی تعقیب صادر می کند و در صورت عدم سازش، پرونده را برای اخذ تصمیم به دادگاه ارسال می دارد. دادگاه نیز پس از وصول گزارش، حسب مورد، قرار موقوفی تعقیب صادر و یا شروع به رسیدگی می نماید». به موجب تبصره این ماده، اقدام به سازش و صلح ضمن اجرای حکم نیز جایز است.

تردید نیست که هدف میانجیگری در مرحله اجرای حکم، درواقع رفع کدورت و خصومت باقی مانده بین شاکی - محکوم له و بزهکار - محکوم علیه، با اقدامهایی مانند عذر خواهی از بزه دیده - محکوم له و ترمیم خسارات و صدمات مادی و روانی او توسط بزهکار صغیر، در چارچوب مذاکره جمعی طرفین جرم، خانواده ها و دوستان آنها، همراه با مداخله و مساعدت میانجی است. در صورت کسب نتیجه و دستیابی به پاسخ ترمیمی از طریق این میانجیگری، دادگاه به منظور تسریع بازپذیرسازی اجتماعی طفل و نوجوان بزهکار، می تواند در میزان محکومیت یا در نحوه اجرای حکم محکومیت او، جرح و تعدیلهایی به وجود آورد. بدین ترتیب، به نظرمی رسد که با تصویب لوایحی از این دست، مفاهیم و شیوه های عدالت ترمیمی وارد حقوق کیفری ایران شود و گفتمان قضایی طرفدار روشهای مذاکره به منظور صلح و سازش بین طرفهای جرایم سبک که نوعی قضا زدایی نیز محسوب می شود. در آینده ای نزدیک به گفتمان تقنینی مبتنی بر عدالت ترمیمی بینجامد.

بنابراین می توان گفت که اگر چه دیدگاه ترمیمی در برخی مواد قانون آیین دادرسی کیفری جدید رسوخ کرده و آثاری از خود به جای گذاشته است، اما در بسیاری از فرایندهای پیش بینی شده در قانون، هنوز نگرش غالب، غیر ترمیمی و به اصطلاح کلاسیک یا سنتی است. این موضوعی است که تا حدود زیادی وجود یک الگو غالب حاکم بر تهیه کنندگان قانون را مورد تردید قرار می دهد. حداقل آن است که تصور کنیم آنها ضمن توجه به برخی تدابیر ترمیمی یا نسبتا ترمیمی، هنوز به آموزه های اجرای عدالت کیفری در قالب روشهای سنتی و کلاسیک وفادار مانده اند.

پیشنهادهای

نخست، گسترش قلمرو رسیدگی به جرایم در نهادهای ترمیمی؛ یکی از ملزومات نهادهای ترمیمی افزایش اعتماد قانونگذاران به این جلوه‌ها می‌باشد. مقنن در مواد «۸۰»، «۸۱» و «۸۲» دامنه ارجاع به نهادهای مرتبط را محدود به جرایم درجه شش، هفت و هشت نموده است که خود، گواه این امر است که قانونگذار آنچنان که باید نتوانسته است به این جلوه‌ها اعتماد کند. در همین راستا، مقنن ایران، با افزایش دامنه جرایم ارجاعی به جلوه‌های ترمیمی و در پی آن افزایش اختیار ارجاع آنها به مقامات قضایی، در رسیدن به اهداف مورد نظرش موفق تر خواهد بود.

دوم، افزایش نقش متهم در برخی جلوه‌های عدالت ترمیمی: یکی از بارزترین جلوه‌های جلوه‌های ترمیمی، اختیاری بودن ارجاع به آنها است. به همین منظور اگر مقنن در نهادهای ترک تعقیب و بایگانی پرونده، نقش وی را از طریق اخذ موافقت وی و پیش بینی تدابیر تأمینی گسترده تر ناظر بر بزهکار، برجسته تر می‌نمود، می‌توانست در بازپذیری وی در جامعه کمک بزرگی نماید. البته این هدف از طریق پیش بینی روشهای اعاده حیثیت از متهم نیز مهیا خواهد شد.

سوم، پیش بینی تدابیر و دستورات تأمینی در خصوص قرارهای ترک تعقیب و بایگانی پرونده: یکی از اقدامات کارساز در زمینه ترمیمی کردن نهادهای فوق‌الذکر پیش بینی اقدامات تأمینی مذکور در مواد «۸۱» و «۸۲» ق. آ. د. ک. در قرارهای بایگانی پرونده و ترک تعقیب است. البته ذکر این نکته مهم است که در ماده «۸۱» مقنن، زمان مشخصی را برای دستورات مذکور پیش بینی کرده است. به طور مثال، این ماده فرجه زمانی حداکثر تا یک سال با تعیین دادستان را مقرر نموده که با توجه به اهداف اصلاحی، بازدارنده، ترمیمی و غیره در آن، بهتر آن می‌بود که مقامات قضایی در این مواد اختیارات بیشتری جهت انجاگم این دستورات داشتند.

چهارم، در قانون مذکور عباراتی وجود دارد که می‌بایست مقنن آنها را اصلاح نماید. از قبیل عبارت «رعایت مقررات قانونی» در ماده «۸۰» قانون مذکور است که عبارتی گنگ و قابل تفسیر می‌باشد.

منابع و مآخذ

الف: قوانین

۱- قانون اساسی

۲- قانون آیین دادرسی کیفری

۳- قانون شورای حل اختلاف

۴- قانون تشکیل خانه انصاف

۵- قانون تشکیل شورای داوری

ب: کتب

۱- استفانی گاستون ژرژ لواسور، برنار بلوک، (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی (مترجم: حسن دادبان)، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

۲- آشوری، دکتر محمد (۱۳۸۲). جایگزین های زندان. نشر گرایش، چاپ اول، حبس زدایی خرد گرا؛ خروج از بحران تورم کیفری

۳- جوانمرد بهروز، تسامح صفر (۱۳۸۸): سیاست کیفری سخت گیرانه در قبال جرایم خرد، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان،

۴- حبیبی، رحمان (۱۳۸۶)، میانجیگری کیفری راهی به سوی کیفر زدایی، اداره زندان محلات.

۵- خالقی، علی، (۱۳۸۷) آیین دادرسی کیفری، چاپ هشتم، تهران، انتشارات شهر دانش.

۷- داوید، رنه و کامی ژوفره، (۱۳۸۳) نظام های حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان.

۸- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، دوم، ج ۱۱ و ۱۳.

۹- ذاکری، مهدی، (۱۳۸۱) فراسوی توسعه قضایی، جلد دوم، چاپ نخست، انتشارات دفتر مطالعات و بررسی های اجتماعی قوه قضائیه.

۱۰- رایت، مارتین و مایز، مایکل (۱۳۸۴)، عدالت ترمیمی، (ارتقا بخشیدن به جلوه بزه دیده محوری)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، نشر خلیلیان

۱۱- رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۹۰)، بزه دیده شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش.

۱۴- زهر، هوارد، (۱۳۸۳) کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه دکتر حسین غلامی، انتشارات مجد، جلد اول، تهران.

۱۵- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ دوم، انتشارات مجد.

۱۶- شیر، عباس، (۱۳۸۵). فرآیند عدالت ترمیمی، مطالعات پیشگری از جرم، چاپ اول، تهران.

۱۹- عزیزی، حشمت الله، (۱۳۸۸). بسترهای تاریخی عدالت ترمیمی در ایران، چاپ اول، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه.

۲۱- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). میانجیگری کیفری: جلوه ای از عدالت ترمیمی، دیباچه بر کتاب میانجیگری در امور کیفری؛ محمد آشوری، جایگزینهای زندان یا مجازاتهای بینابین، تهران، نشر گرایش.

۲۲- طباطبائی مومنی، منوچهر، (۱۳۸۷) حقوق اداری، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سمت.

- ۲۳- عمید، حسن، (۱۳۷۹). **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ نوزدهم، موسسه انتشارات امیر کبیر تهران.
- ۲۸- غلامی، حسین، (۱۳۸۳)، **عدالت ترمیمی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمود آشوری**، تهران: نشر سمت.
- ۲۹- فروزش، روح الله، (۱۳۸۶) **جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران**، چاپ نخست انتشارات خرسندی.
- ۳۰- کاتوزیان، امیرناصر، (۱۳۸۲) **الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری**، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۲- گارو، رنه (۱۳۴۴) **مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا**، ترجمه و تطبیق: دکتر سید ضیاءالدین نقابت، تهران، انتشارات حقوقی ابن سینا.
- ۳۳- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۵). **بایسته های حقوقی جزائی عمومی**، نشر میزان، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان.
- ۳۴- لازرژ، کریستین (۱۳۹۲). **درآمدی بر سیاست جنایی**، چاپ چهارم، انتشارات میزان.
- ۳۵- لایبمن، مارین، (۱۳۹۳). **عدالت ترمیمی از نظریه تا عملکرد**، ترجمه رحمان صبحی، چاپ نخست، انتشارات جنگل.
- ۳۶- مارتین رایت (۱۳۸۴). **عدالت ترمیمی، ارتقاء بخشیدن جلوه بزه دیده محوری (مجموعه مقالات)**، ترجمه امیر سماواتی پیروز، انتشارات خلیلیان، چاپ اول، تهران.
- ۳۷- مارشال، تونی، (۱۳۸۴). **عدالت ترمیمی، (مذکور در مجموعه مقالات عدالت ترمیمی)** ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ نخست، انتشارات خلیلیان.
- ۳۸- مک رآی، آلن و هوارد زهر، (۱۳۸۶). **نشست های گروهی خانوادگی**، ترجمه حسین غلامی، چاپ نخست، انتشارات مجد.
- ۴۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۷). **عدالت ترمیمی (دیباجه)**، در ژان پرادل، تاریخ اندیشه های کیفری.
- ۴۱- نوربها، رضا (۱۳۸۳). **حقوق جزایی و عدالت کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات...)**، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- ۴۳- سماواتی پیروز، امیر، (۱۳۸۵) **عدالت ترمیمی تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن**، چاپ نخست، تهران، انتشارات نگاه بینه.
- ۴۴- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۸۹) **حقوق مدنی مقدمات اموال و وقف**، جلد نخست، چاپ نخست، تهران، انتشارات پایدار.
- ج: مقالات**
- ۱- احمدی ندوشن، بهزاد، **مفاهیم و شیوه های اجرای عدالت ترمیمی در لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان**، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۰، ۱۳۸۶
- ۲- حسینی، سیدمحمد «مراجع اجتماعی پاسخ دهی به پدیده مجرمانه در سیاست جنایی اسلام»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۸، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹.
- ۳- رهگشا، امیرحسین، **نگاهی به شوراها حل اختلاف معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (مرکز تحقیقات فقهی)**، مجموعه بخشنامه های قوه قضاییه، ج ۲، ۱۳۸۲، ص ۸۳۳.
- ۴- صادقی، محمدهادی، «**میانجیگری در دعاوی کیفری**»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۱۲، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳.
- ۵- عباسی، مصطفی، **عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری**، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۹، ۱۳۸۲

- ۷- غلامی، حسین، بررسی جایگاه عدالت ترمیمی در پیش نویس پژوهش حقوق و سیاست « شماره ۱۵ پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- ۸- کاشانی، سید محمود، بررسی حقوقی لایحه شورای حل اختلاف و نهاد قاضی تحکیم، قانون وکلا، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۱۹۳-۱۹۲.
- ۹- محمد هادی صادقی، «میانجیگری در دعاوی کیفری»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۱۲، ۱۳۷۳
- ۱۰- محمدی، محمد طاهر، جایگاه عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۹۲.
- ۱۲- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، دوره ی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده ی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال نخست، سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲.
- ۱۳- شیدائیان، حمید، تقریرات درسی عدالت ترمیمی مقطع کارشناسی ارشد، سید احمد رضوی، واحد پردیس، دانشگاه قم، نیمسال دوم، سال تحصیلی ۱۳۸۷.
- ۱۵- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی الگوی جدید تفکر در امور کیفری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۸۵
- ۱۶- غلامی، حسین، بررسی جایگاه عدالت ترمیمی در پیش نویس لایحه قانون آ. د. ک، مجله پژوهش حقوق و سیاست، زمستان ۱۳۸۵
- ۱۶- عباسی، مصطفی، عدالت ترمیمی دیدگاه نوین عدالت کیفری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲
- ۱۷- رولان، نوبر، انتقام جویی و تحول آن از دیدگاه انسان شناسی حقوقی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پاییز ۱۳۸۷
- ۱۸- خسرو شاهی، قدرت الله، تاملات فلسفی در عدالت ترمیمی، فصلنامه بصیرت، شماره ۳۴، پاییز ۸۶
- ۲۰- بریث ویت، جان، عدالت ترمیمی، ترجمه مهرداد رایجان اصلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، ۲۰۰۲
- ۲۱- سماواتی پیروز، امیر، عدالت ترمیمی تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، چاپ نخست، تهران، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۸۵.
- ۲۲- مدنی، سید جلال الدین، حقوق مدنی مقدمات اموال و وقف، جلد نخست، چاپ نخست، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۹